



آنان که تدبیر می‌کنند کمتر عبرت می‌گیرند و بالاخره بر خوردنها در حد تشریفات، سوگند، مهریه، تجوید، ترتیل، حفظ و مسابقه بوده است و هدف اصلی همه این برنامه‌ها که تدبیر در قرآن است رونق لازم را نیافته است.

**خداوند از ما چه می‌خواهد و چه**

**وظیفه‌ای در برابر قرآن داریم؟**

ما باید کتاب آسمانی را محور عقیده، فکر، تصمیم و عمل خود قرار دهیم و در غیر این صورت قرآن ما را پوک و پوچ می‌داند: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا الشُّرَاةَ وَ

قرآن مجید سند اساسی اسلام و معجزه جاوید نبی اکرم اسلام است. کتابی که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ تَيْنٍ يَدْيِهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»<sup>۱</sup> و کتابی که مصون از هر گونه تحریف است. «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»<sup>۲</sup> قرآن کتاب نور، عبرت، بینه، تذکر، بیان، رشد، برهان، ذکر، فرقان و مبارک است.

**ما و قرآن**

با کمال تأسف بسیاری از مردم نمی‌توانند قرآن را بخوانند، یا آن که غلط می‌خوانند. آنان که می‌خوانند نیز بسیاری معنای آن را نمی‌دانند، و آنان که می‌دانند در آن تدبیر نمی‌کنند، و

«ضرب زید عمرواً»، «ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا»  
را یاد می‌دادند؟

راستی چه می‌شد اگر مقداری از  
تشویقات و شهریه‌ها براساس تفسیر  
پرداخت می‌شد؟

آیا به جای آن که تمام وقت  
بزرگان ما صرف ۱۰٪ طلابی که فقیه  
می‌شوند شود، بهتر نبود هر عالمی  
هفته‌ای یک روز تفکر و دقت و تدبر  
خود را صرف قرآنی که همه طلاب و  
جوانان ما به آن نیاز دارند نمایند؟!

راستی در دانشگاه و حوزه و  
مساجد ما جایگاه قرآن و تفسیر کجا  
است؟! از عزیزی که تخصص در  
تفسیر دارند، چه فرد و نهادی استفاده  
می‌کند؟ کدام فرزند را سراغ دارید که  
نامه پدرش را نخواند یا نداند؟ به هر  
حال مخلوق باید کتاب خالق خود را  
بداند.

درست است که در ایام تحصیلی  
کار داریم ولی آیا قرآن کار ما نیست؟  
تعداد جلسات و دروس تفسیر را با  
سایر جلسات و دروس مقایسه کنید،  
در بعضی از مناطق حتی یک درصد

الْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ<sup>۳</sup> ما باید قرآن را  
جدی بگیریم «خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ»<sup>۴</sup> و  
بدانیم که هر کس در آن تدبر نکند  
مورد تندترین انتقادات الهی است  
«أَفَلَا يَسْتَدْرِبُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ  
أَفْئَالُهَا»<sup>۵</sup> از سوی دیگر ما در برابر  
قرآن مسؤول و مدیون هستیم «وَلَكِنْ  
كُونُوا رَبَّاتِينَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا  
كُنْتُمْ تُدْرَسُونَ»<sup>۶</sup> در علم اصول به ما  
گفته‌اند که اشتغال یقینی برائت یقینی  
لازم دارد. آیا ما با این کارهای  
فرهنگی امروز برائت پیدا می‌کنیم یا  
نه؟ یعنی اگر از ما سؤال کنند که تو در  
برابر وحی چه کردی آیا می‌توانیم  
مطالعات و تدریس و تحصیل رسمی  
خود را مطرح کنیم و برائت پیدا کنیم؟  
البته دروس حوزوی باید با  
جدیت خوانده شود، لکن نیمی از  
سال که تابستان و رمضان و محرم و  
تعطیلات رسمی است، ما می‌توانیم  
یک دور تفسیر را مطالعه و مباحثه و با  
پیام الهی آشنا شویم.

راستی چه می‌شد که از روز اول  
ما را با قرآن آشنا می‌کردند و به جای

هم نیست.

به هر حال گام‌هایی باید برداریم که نمونه‌اش را می‌نویسم:

۱- برای عزت بخشیدن به قرآن، بزرگان آستین بالا زده و در هفته روزی را به تدریس تفسیر و نکات قرآن اختصاص دهیم.

۲- مدیران حوزه‌های علمیه برای ایام تعطیل برنامه‌ریزی کنند که طلاب عزیز و جوان مقداری از تفسیر قرآن را مطالعه کنند و در پایان کار آزمونی به عمل آورند و تشویقاتی انجام دهند.

۳- در هر منطقه‌ای علمای خوش بیان قیام کنند و نسل‌نورا دعوت و همه را سر سفره پرنعمت قرآن بنشانند و دقایقی را به تفسیر آیات قرآن بپردازند.

۴- انشاءالله درس تفسیر که بحمدالله اخیراً در حوزه‌ها راه افتاده، رونق بیشتری پیدا کند و طرحی برای این منظور در حوزه‌ها اجرا گردد.

۵- فضایی که در ایام تحصیل تقریرات می‌نویسند، در ایام تعطیل

رساله‌های قرآنی بنویسند تا مورد نقد و بررسی قرار گرفته و با انتشار آن دیگران نیز بهره ببرند.

### تقاضا

برادر بزرگوارم! عالمی را می‌شناسم که در مسجدالنبی بعد از توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خواست که میزان رضایت یا عدم رضایت حضرت را بداند و با همین نیت قرآن را باز نمود، چشمش به این آیه افتاد: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ رَبِّ أَنْ قَوْمِي أَخْلَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾<sup>۷</sup> این آیه آن عالم را متأثر کرد.

بهترین فرصت برای مهجوریت زدایی از قرآن، ماه رمضان است که عظمت آن به خاطر روزه نیست بلکه به خاطر نزول قرآن است ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾<sup>۸</sup>.

اساتید طلاب عزیز را به مطالعه و تفسیر و برقرار کردن جلسات تفسیر برای اقشار مختلف با حفظ دقت (که تفسیر به رأی نشود) سفارش نمایند.

از فضایی که مقیم یا مهاجر یا

اهل منبرند تقاضا می‌کنم که بدنه سخنرانی آنان قرآن باشد و اگر نکته‌ای می‌فرمایند در بیان همان آیات باشد.

در تفسیر آیات به چند اصل توجه شود:

۱- نیاز مردم

۲- آیاتی که قرآن روی آن اصرار

دارد نظیر آیات مبدأ، معاد و

صحنه‌های قیامت و مسائل اخلاقی،

اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و غیره

۳- پرهیز از نقل اقوال و مطالب

ادبی و علمی که مخصوص خواص

است.

۴- به پیام آیات توجه شود.

۵- جلسات طولانی نشود.

(حداکثر بیست دقیقه)

۶- جلسات تفسیر باید دوستانه

و بدون فریاد و تکلف باشد.

۷- در پایان، نکات و پیام‌ها، آن

گونه جمع‌بندی شود که لااقل

سرفصل‌های آن قابل نوشتن و انتقال

و امتحان دادن باشد.

۸- در مخاطبین به نسل نو توجه

خاص شود.

۹- در مناطقی که مردم با تفسیر

آشنا نشده‌اند از داستان‌های قرآن، یا

سوره‌های کوچک یا آیاتی که با

ذهنشان آشنا است آغاز کنیم.

۱۰- در آغاز، تبلیغاتی انجام گیرد

و بعد از هر جلسه نظرات شنوندگان

دریافت گردد.

### آرزوها

۱- به آرزوی روزی که ما برای

نسل نو تفسیرهای موضوعی که

نیازهای ویژه آنان را بررسی کند

نوشته باشیم.

۲- به امید روزی که در هر

منطقه‌ای دانشمندی قصه‌های قرآن را

برای کودکان و بزرگان ما تحلیل کند.

۳- در انتظار روزی که تفسیر

ساده ولی پرمحتوا جزء دروس

رسمی مدارس و دانشگاه‌ها شود.

۴- به امید روزی که منابر ما به

جای نقل برخی مطالب ضعیف و ...

مملو از انوار قرآن باشد.

۵- به امید روزی که تفسیر را نیز

علم بدانیم و اسرار قرآن را کشف

کرده و دل‌ها را جذب کنیم.

۶- به امید روزی که از هر طلبه‌ای پرسند چه می‌خوانی؟ بگوید تفسیر و مکاسب - تفسیر و لمعه.

۷- به امید آن که ما کتاب آسمانی را به پا داریم که آن نیز به پاداشتنی است. ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ﴾<sup>۹</sup>

۸- به امید روزی که بخشی از بودجه‌ها و مدارس و نسیروها و درس‌های حوزوی صرف تربیت مفسر شود.

فکر نکنید که این آرزوها محال است. مگر ما پیرو امام خمینی علیه السلام نیستیم که رژیم را عوض کرد؟ مگر

در ورزشگاه ما فریاد یا حسین بلند نشد؟ مگر ده‌ها نماز جماعت در مدارس احیاء نشد؟ مگر عزاداران حسینی در تاسوعا و عاشورا در خیابان‌ها نماز برگزار نکردند؟ مگر آن همه مساجد زیبا در جاده‌ها ساخته نشد؟ مگر در جبهه‌ها و انتخابات و تحقیر استکبار و شرکت در مسابقات گوناگون، ندرخشیدیم؟ انشاءالله در

مهجوریت زدایی از قرآن نیز خواهیم درخشید، به دو شرط: یکی استمداد از خداوند و توسل به اولیای او و دیگری قصد قربت و قلب پاک.

انس با قرآن مسیر فکرها، اخلاق‌ها، استدلال‌ها، تصمیم‌ها، برخوردها را عوض و ایام فراغت را پر می‌کند. راستی که قرآن نور است و جامعه را از ظلمات به نور خود جذب می‌نماید. قرآن ذکر است ﴿نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾<sup>۱۰</sup> و گروهی که به قرآن بی‌اعتنایی کنند گرفتار زندگی تلخ خواهند شد ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾<sup>۱۱</sup>

#### بی‌نوشت‌ها:

۱. فصلت / ۴۲.
۲. حجر / ۹.
۳. مائده / ۶۸.
۴. مریم / ۱۲.
۵. محمد / ۲۴.
۶. آل عمران / ۷۹.
۷. فرقان / ۳۰.
۸. بقره / ۱۸۵.
۹. مائده / ۶۶.
۱۰. حجر / ۹.
۱۱. طه / ۱۲۴.